

آیا ثروتمندان خوشبخت هستند؟



اصول اخلاقی، درآمد و حس خوشبختی به طرق مختلفی برهم اثر می‌گذارند. کیث مورنیگهان می‌گوید: شما را نمی‌دانم ولی من طالب درآمد بیشتری هستم. اما آیا این واقعا مرا خوشحال می‌کند یا ترس از دست دادنش گریبانم را خواهد گرفت؟»

اصول اخلاقی، درآمد و حس خوشبختی به طرق مختلفی برهم اثر می‌گذارند. کیث مورنیگهان می‌گوید: شما را نمی‌دانم ولی من طالب درآمد بیشتری هستم. اما آیا این واقعا مرا خوشحال می‌کند یا ترس از دست دادنش گریبانم را خواهد گرفت؟»

به گزارش دنیای اقتصاد، مورنیگهان درمانگر، روانشناس و استاد رشته مدیریت و سازمان‌ها در دانشکده «کلاگ» است. وی به بررسی یکی از مشهورترین نظریه‌های علوم اجتماعی به نام «پارادوکس ایسترلین» پرداخته است: پول تا آستانه مشخصی خوشبختی می‌آورد و پس از آن به کاهش این احساس می‌پردازد.

او همچنین در پی این است که میزان تاثیر اخلاقیات را در رابطه بین درآمد و خوشبختی بسنجد. او می‌گوید: «من برنامه اجرایی در اصول اخلاقی و رهبری «MBA» را تدریس می‌کنم و ما اغلب در این باره صحبت می‌کنیم که چگونه فساد، رشوه‌خواری و سایر راه‌های کسب درآمد نامشروع در برخی کشورها رایج است.» وی همچنین می‌افزاید: «هرچقدر هم که این گونه اعمال رایج باشد باز هم مردم می‌دانند رشوه‌خواری امری غیراخلاقی است و این اعمال نتایج منفی در جامعه در پی دارد.»

مورنیگهان با کمک همکارش «لانگ وانگ» استاد دانشگاه هنگ‌کنگ، تصمیم گرفت بفهمد چگونه پول، هیجان و اخلاقیات در مقیاس فردی و کشوری بر هم اثر می‌گذارد؟ او می‌گوید بخشی از مطالعات ما ریشه در طمع و حرصی دارد که پیشینیان هم به آن پرداخته‌اند. همان‌گونه که افلاطون و ارسطو می‌گویند: حرص از تنگ‌نظری و بینش پایین افراد سرچشمه می‌گیرد و اکنون داده‌های ما گفته‌های ایشان را بعد از 2000 سال تایید می‌کند. در صورتی که این مساله را جدی تلقی کنیم باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا به تناسب افزایش درآمد در برابر اصول اخلاقی بی‌بندوبارتر می‌شویم یا خیر؟

درآمدهای کلان و تاثیرات کلان

آنها برای بررسی تجربی این پرسش، در آمد 27 کشور را بین سال‌های 2005 تا 2006 جمع‌آوری کردند درحالی‌که میزان خوشبختی و پایبندی مردم به اخلاقیات را نیز در نظر گرفته بودند. به عبارت دیگر از شرکت‌کنندگان خواسته شد که به سوالات مربوط به حس خوشبختی و پایبندی به اخلاقیات از یک تا 10 نمره دهند.

مورنیگهان می‌گوید: یک فرد ثروتمند ناخوشبخت چه بسا به‌خاطر بی‌اخلاقی احساس ناخوشایندی دارد حال آنکه همین رفتار، او را ثروتمند کرده است. «آنها میزان فساد را در 55 کشور منطبق بر «گزارش‌های ثروت بانک جهانی» بررسی کرده‌اند. همین کشورها در بررسی میزان خوشبختی نیز شرکت داشته‌اند. به گفته مورنیگهان مقایسه این دو آمار می‌تواند انعکاس‌دهنده مطالب بسیاری باشد. مطالبی که شاید تاکنون از آن غافل بوده‌ایم و می‌تواند ویژگی بارز عصر حاضر باشد. عصری که ما را مرتباً بر سر دوراهی اخلاق و منفعت شخصی قرار می‌دهد.

یافته‌هایی که این دو محقق نام «چالش‌انگیز» را بر آن گذاشته‌اند درواقع رابطه بین پول، خوشبختی و اخلاقیات را بازگو می‌کند. از بین 27627 نفری که در این پرسشنامه شرکت کرده‌اند، آنهایی که زیاد به اخلاقیات و درستکاری پایبند نبودند رضایت کمتری از زندگی داشتند و آنهایی که علاوه بر درآمد بالا درستکار بودند از سطح رضایت بالاتری برخوردار بودند. وقتی این نتایج را در مقیاس کشوری در نظر بگیریم می‌بینیم که «فساد بیشتر، افراد ناخوشبخت بیشتری را به ارمغان می‌آورد».

مورنیگهان معتقد است این یافته‌ها می‌تواند به بازنمایی عواملی بپردازد که خوشبختی را در سطوح خرد و کلان تحت تاثیر قرار می‌دهد. او می‌گوید: نتایج خوشایند رضایت از زندگی و خوشبختی تنها محدود به افراد نیست بلکه بر جامعه نیز اثر دارد. البته در ادامه می‌افزاید: ما دقیقاً نمی‌دانیم که کدام یک علت و کدام یک معلول است یعنی آیا ثروتمند بودن و خوشبختی ما را درستکار می‌کند یا درستکاری ما را ثروتمند و خوشبخت؟ اما می‌توانیم نشان دهیم افرادی که از زندگی راضی هستند و درآمد خوبی هم دارند، درستکارتر هستند.

در بررسی وجود همبستگی که بین درآمد بالا، رضایت پایین از زندگی و آستانه پایین رفتارهای غیراخلاقی صورت گرفته است، مورنیگهان این فرضیه را مطرح می‌کند که «شاید افرادی که خوشبخت نیستند رنج رفتارهای نادرستی را می‌کشند که برای

ثروتمند شدن انجام داده‌اند.» اگر چه یافته‌های آنان علل و اثرات بین پول، خوشبختی و اخلاقیات را نشان نمی‌دهد اما مورنیگهان توانسته است این مساله که «پول خوشبختی می‌آورد» را به چالش بکشد. به بیان دیگر، این باور قدیمی که داشتن وضع مالی مناسب ذهن را از دغدغه‌ها آزاد می‌کند تا فرد بتواند به سایر نیازها و جوانب زندگی توجه کند و احساس خوشبختی کند را به چالش کشیده است و برعکس آن را مطرح می‌کند:

«جای تعجب ندارد افراد ثروتمندی که ثروت خود را از راه‌های نامشروع به دست آورده‌اند دارای تحمل بیشتری نسبت به دیگرانند و چه بسا به سختی در برابر رفتارهای سوء خود احساس گناه می‌کنند. همچنین ارسطو بیان می‌کند: چه بسا حس خوب خوشبختی همه آن چیزی نیست که ما می‌بینیم و معلول چندین علت است.» این تحقیق در آخر به نتایج گسترده‌تری اشاره دارد. از جمله اینکه مساله فساد و خوشبختی می‌تواند بستری برای مطالعه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران باشد و می‌گوید: «پرواضح است که ما فساد را که ریشه بسیاری از ناملایمات است برای مردم نمی‌خواهیم اما با روش‌های دیگری نیز می‌توان به مبارزه با آن پرداخت. اگر شما احساس خوشبختی بیشتری کنید به‌طور کلی جامعه نیز چنین حسی را با رها شدن از فساد خواهد کرد و این همان چیزی است که ما برای جامعه می‌خواهیم، رفاه و خوشبختی با سوق دادن افراد به پاکدستی».